



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱۱/۱۹

عبدالقیوم میرزاده

ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت بیست و نهم)

تجربه نشان داده است که یکی از بهترین راهکار برای رفع بیکاری در کشور هاییکه اقتصاد متکی به کشاورزی دارند همانا سرمایه گذاری های بزرگ برای گسترش شبکه آبیاری و میکانیزه ساختن زراعت، توزیع تخم های بذری، سرمایه گذاری در بخش باغداری به شیوه های مدرن، اعمار سرد خانه ها با ظرفیت های بزرگ، ایجاد سیستم درجه بندی و بسته بندی مناسب برای صدور ورقابت با مارکیت میوه منطقه و جهان میباشد، از آنجاییکه افغانستان از دیر زمانی کشور متکی به اقتصاد زراعتی بوده و بخش بزرگی از مردم ما در این سکتور شاغل بودند و زراعت و مالداري شاهرگ اقتصادی کشور محسوب میشود. چون در اثر جنگها و خشکسالی های ممتد زمین های زراعتی قسماً و یا کاملاً از بین رفته و سیستم آبیاری ماهم واژگون شده است بنأ همه شاغلین این سکتور به شهر ها پناه آورده و به سیل بیکاران افزودند. چون دولت توجه لازم به احیا، تقویت و گسترش سکتور کشاورزی، آبیاری و دامداری نکرده است که با اضافه ضریب رشد نفوس تعدد بیکاران در کشور از همین ناحیه رو به افزایش است. بنأ همان طوریکه گفته آمدیم همه مردم خاصتاً کشاورزان و دامداران و باشندگان قرا و قصبات با فشار مضاعف بالای دولت توجه فراوان آنها را به رشد و توسعه کشاورزی و دامداری مبدول داشته و سرمایه های فراوان در این سکتور مهم اقتصادی کشور برای احیای مجدد تأسیسات زیر بنایی زراعت، سیستم آبرسانی مدرن، توسعه و انکشاف دامداری یا مال داری، توسعه و ایجاد چراگاه های بزرگ و سیستم تهیه و تولید علوفه و خوراک حیوانات در موسم سرما و زمان خشکسالی ها، توسعه ماشینری زراعتی، تربیه کادر فنی و متخصص برای زراعت و مالداري جذب و تشویق گردد. برای سرمایه گزاران در سکتور زراعت، ماشینری زراعتی، آبرسانی زراعتی و دامداری امتیازات قانونی داده شود و این سکتور برای سرمایه گذاری جذاب شده تا سرمایه گزاران به سرمایه گذاری در این سکتور تشویق گردند.

یک مسئله با اهمیت دیگر در عرصه صنعت تولید تغییر استراتیژی کشور های بزرگ صنعتی در باره تولید صنعتی میباشد. از تحلیل وضع در کشور های صنعتی پیشرفته بر می آید که این کشور ها هم اکنون بیشتر بفرک تولید تکنولوژی، ایده های تولیدی و فروش تکنولوژی میباشد تا تولیدات صنعتی و این تولیدات صنعتی و یا فابریکات آهسته آهسته به کشور های که نیروی کار ارزان دارند منتقل میگردد. این تغییر برای کشور ما فرصت طلایی است، سرمایه گزاران ما در تحت حمایت دولت میتوانند چنین انتقالات صنعتی را به کشور خویش منتقل سازند و هزاران و ده ها هزار محلات جدید کار ایجاد کنند، که البته پیش شرط اساسی این کار ایجاد سیستم تربیه کادرفنی و مسلکی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزي بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در سطوح مختلف تحصیلی را میکند تا بصورت سیستماتیک و دوامدار کادر مسلکی برای این تولید صنعتی وجود داشته باشد.

همچنان ایجاد و توسعه صنعت و تربیه کادر فنی و مسلکی برای این مامول هم برای رفع بیکاری بسیار با اهمیت میباشد زیرا صنعت محور اصلی اقتصاد کشور ها بوده و این سکتور میتواند بیشترین افراد جامعه را در خود مشغول گرداند. همچنان رعایت استندرد های قبول شده بین المللی در زیر کنترول اداره استاندارد کشور در همه عرصه های تولیدی، استخراج، صادرات و واردات میتواند کیفیت تولید را بالا برده و رقابت با امتعه تولید خارجی را به نفع صنایع ملی تغییر داده و در رشد و توسعه صنایع و فابریکات اثر گذار باشد. دولت مسئولیت دارد تا از یکطرف سیستم اقتصادی کشور را پلانیزه کرده و برای فابریکات و مؤسسات تولید صنعتی شرایط کار مساعد، انرژی، سیستم آبرسانی و کانالیزاسیون و امنیت را تأمین کند، به این ترتیب میشود که سرمایه گزار و اصناف تحت حمایت دولت به آرامش خاطر از محفوظ بودن سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند و برای اینکار

مجبور نباشند به دامن گروپ های مسلح غیر قانونی دست دراز کنند و همه از کنترول دولت خارج گردد، که در افغانستان متأسفانه بنابر عدم موجودیت حس و طندوستی و منابع ملی، دید نادرست دولت از سیستم بازار و نقش ضد ملی خارجی ها مخصوصاً پاکستان و ایران بزرگترین فابریکه ها و موسسات تولیدی کشور چون فابریکه های نساجی و پشمینه بافی کابل، هرات، قندهار، بلخ، پلخمری، گلپهار، و فابریکه های سمنت غوری و جبل السراج، فابریکه های استخراج و تولید ذغال سنگ کرکر، آش پشته، دره صوف و سبزک فابریکه قند بغلان و صد ها فابریکه و موسسه تولیدی دیگر که ده ها هزار کارگر را در خود مصروف داشته بودند به عناوین مختلف راکد و غیر فعال گردیدند که بزرگترین ضربه مهلک بر پیکر اقتصاد کشور ما مترادف با خیانت ملی محسوب میگردد. بر اساس گزارش اتاق های تجارت و صنایع کشور در افغانستان بصورت مجموعی ۱۵ هزار فابریکه و موسسه تولیدی وجود دارد که بنابر عدم توجه دولت و عواملی که در بالا از آن ذکر بعمل آوردیم هم اکنون صرف حدود چهار هزار این فابریکه ها و موسسات تولیدی فعال میباشد در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در حدود ۱۲۰۰ فابریکه از فعالیت بازمانده و در خطر انقراض قرار دارند که کارگران و کارمندان این موسسات به سیل بیکاران کشور افزوده اند.

برای انکشاف صنایع و جذب نیروی کار و متخصص افغان در سکتور صنایع و خانه سازی لازم است تا تدابیر جدی برای بلند رفتن کیفیت تحصیل و سیستم تدریس مخصوصاً در بخش تحصیلات عالی و حرفوی اتخاذ گردد زیرا از این طریق میتوان جایگزین مناسب برای حرفویان، کارمندان مسلکی، و متخصصین خارجی پیدا کرد و از ورود و استخدام خارجیان در پروژه های فنی جلوگیری بعمل آید. دولت، بانک ها و ارگانهای اداره اقتصادی میتوانند با اتخاذ سیاست های فعال بازار کار در بخشهای مختلف صنایع کوچک، ساختمان، حفاظت محیط زیست، صحت و صنایع دستی با اعطای قرضه ها، پارانها و حمایت مستقیم مالی عده فراوان افراد مستعد را شامل پروسه تولید گردانند.

بخش دیگری از سکتور اقتصادی مسئله معادن و استخراج آن میباشد که در صورت ایجاد سیستم برنامه ای تحت کنترول دولت بالای معادن و استخراج آن و ایجاد شبکه راه های مواصلاتی، ترانسپورت و ترانزیت در تمام ساحات معادن در گام نخست همان محلاتیکه هم اکنون بوسیله قاچاقبران ملی و بین المللی بصورت غیر قانونی و غیر حرفوی استخراج جریان دارد برای ده ها هزار تن از مردم ما محلات کار ایجاد شده و از فروش و صدور آن منفعت بزرگ اقتصادی نصیب ملت ما میگردد، که متأسفانه این بخش هم مانند سایر بخشها بنابر همان مشکل اساسی یعنی نبود فرهنگ منافع ملی در میان مردم می لنگد. هم اکنون در ساحات معادن تحت استخراج کشور ما سازمان استخبارات نظامی پاکستان سیطره طالبان را هموار کرده است و با تمام قوت این نیرو ها مورد حمایت و مراقبت آنها قرار دارند تا معادن بصورت غیر قانونی استخراج و به پاکستان منتقل و بنام امتعه پاکستانی به اقصی نقاط جهان صادر میگردد. بر اساس گزارشات رسمی نماینده گان ادارات معادن افغانستان هم اکنون قرار دادهای رسمی میان دولت پاکستان و کشور های خارجی منجمله کشور چین عقد گردیده که حکایت از صدور آن اقلام معدنی دارد که از افغانستان بصورت غیر قانونی استخراج و به شکل قاچاق به پاکستان انتقال می یابد و در سراسر پاکستان چنین مواد معدنی وجود ندارد. اگر دولت ملی در افغانستان حاکم باشد اثبات این مسئله و کشانیدن پای پاکستان به میز محاکمه بین المللی کار مشکلی نیست. هم اکنون معادن افغانستان تحت چپاول مستقیم قرار دارد و بهانه اداره معادن موجودیت طالبان، و بهانه ارتش و پولیس نبود ظرفیت دفاعی همه و همه از یک تجاوز سازمان یافته حکایت دارد که در نبود احساس و طندوستی و فرهنگ منافع ملی همه خاموشانه ناظر این تراژیدی بزرگ اند. همانطوریکه در عوامل بیکاری در کشور اشاره کردیم نبود روحیه، احساس و فرهنگ منافع ملی در میان رهبران، تصمیم گیرنده گان و مجریان اداره دولت در همه امور منجمله در سکتور اقتصاد کشور چون کشاورزی، آبیاری، دامداری، صنایع، تجارت و تربیه اهل فن و کادر فنی و مسلکی و همچنان نبود فرهنگ منافع ملی در میان دست اندر کاران این سکتور، سرمایه داران، کشاورزان، دامداران، تاجران و کوتاه سخن در میان همه مردم ما باعث گردیده است که این گوشه زنده گی نیز مخالف منافع ملی کشور ما در جهت منافع بیگانگان بویژه همسایگان مغرض و متجاوز سیر کرده، کشاورز ما با نداشتن فکر منافع ملی و دیدگاه دور اندیشانه از خیر و صلاح همه مردم یکعده به زراعت بی حاصل، نا بسامان و بی

برنامه پرداخته و عده دیگر زیر ترغیب قاچاقبران و مافیای داخلی و منطوقی به کشت کوکنار رو آورده اند، دامداران و مالداران ما همچنان به چوپانان پاکستان بدل شده اند و امروز تقریباً قسمت اعظم مواشی ما در اختیار پاکستان بوده و مطابق میل آنها به مارکیت عرضه می‌گردد، سرمایه داران ما بیشتر سرمایه هایشان را به خارج کشور منتقل و با هزاران ریسک و آسیب پذیری به منافع خود و کشور های شامل حوزه سرمایه گذاری شان می اندیشند، تاجران ما در واردات و صادرات که امروزه به نازل ترین حد آن رسیده است تنها به منافع کوتاه مدت خودشان می اندیشند و کشور ما را به یک کشور مصرفی پاکستان، ایران و چین تبدیل کرده اند و این ها همه در سراسر حوزه فعالیت تجارتي شان در ایجاد محلات کار برای کشور های مولد امتعه مصرفی یعنی پاکستان و ایران و چین فعال اند تا افغانستان. دولت و ارگانهای اداره اقتصاد بدون در نظر داشت ظرفیت مارکیت، معیار های علمی عرضه و تقاضا به هزاران و ده ها هزار اصناف در شهر ها جواز کار توزیع میدارند که به اینترتیب عده کثیری از این اصناف با از دست دادن سرمایه های سرمایه گذاری کرده شان در بازار که تقاضا در آن وجود ندارد به صف بیکاران افزوده و دامنه فقر روز تا روز وسیع تر شده و بصورت کل سطح تولید کاهش یافته و قدرت خرید مردم پاهین آمده و در نتیجه همه جامعه از آن متضرر می‌گردند. برای برون رفت از همه این بدبختی ها، مصیبت ها و آلام در گام نخست ترویج فرهنگ وطن دوستی، حب الوطن من الایمان، آگاهی عموم مردم از ارجحیت منافع ملی و کمک و تلاش برای نهادینه شدن یک حکومت مقتدر که سیطره آن سراسر کشور را پوشش دهد، این حکومت را مردم میتوانند با پشتیبانی همه جانبه شان مشروعیت دهند و اعتبار ملی و بین المللی آنرا بلند ببرند تا این حکومت بتواند در عرصه داخلی تکیه گاه مطمئن و حافظ منافع مردم بوده دهقان، کارگر، سرمایه دار، تاجر، اصناف، کارمندان اداری و تجارتي در پناه چنین دولت مقتدر از آزادی ها و حقوق ارزشمند شهروندی برخوردار شده و با پلان گذاری سالم و با استندرد های بین المللی همه تولیدات ما اعم از زراعتی و صنعتی و صنایع دستی در بازار داخلی و مارکیت جهانی از اعتبار بزرگ برخوردار گردد. جلو مافیا، قاچاقبر، دزد، دهشت افکن، طالب، داعش و همه دشمنان را یک دولت مقتدر که از حمایت بی شایبه مردمش برخوردار باشد گرفته میتواند در غیر آن حق نداریم انگشت ملامت را سوی دولتی دراز کنیم که از حمایت خویش آنرا محروم داشته ایم و مکلفیت انسانی و وطنی خویش را در قبال اش انجام نمیدهیم. تا هر زمان و به هر پیمانهای که ما همه ما مکلفیت های ملی خویش را در راه منافع ملی که اهرم آنرا یک دولت مقتدر میتواند حفاظت کند انجام ندهیم این بلا ها و مصیبت های بیشماری دیگر کشور و مردم ما را تهدید میکند و خواهد کرد. (پایان قسمت بیست و نهم)

ادامه دارد